

صاحب امتیاز و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل اردلان

روزهای دوشنبه منتشر میشود

# کوهستان

تفصیلی  
نامه

دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۲۵  
۸ تیر ۱۳۶۵  
۸ خرداد ۱۹۴۶

روزنامه بیپنجه دست عرب و بیستی سنگی ندارد

## مذاکرات ادامه دارد

### روزنامه اطلاعات هم خوب

#### انجام وظیفه میکند

روزیک به دو هفته است آقایان قاضی محمد رهبر حزب، مذاکرات کردستان برای مذاکره در باره اوضاع آسمانان بپنجاه آمده است.

جلساتی چند هم پس از اولیای دولت مذاکرات جریان داشته ولی هنوز نتیجه آن اعلام نگردیده است و چنین پیش بینی میشود که تا حصول نتیجه قطعی به اظهاری از ناحیه دولت و نه مجامعی از طرف آقایان قاضی محمد پسرل آید.

چیزیکه مسلم است این است که دولت ما بابت اوضاع موضوع کردستان بطوری که سروجهای ماوری آرزوی جوانان باشد فکر کرده و پیشگیری میکند که جریان مذاکرات تقریباً بی نتیجه دیگر هم ادامه داده باشد.

روزه و چند مقاله بی سروته یک خبر نگار معلوم الحال، بطوریکه روزنامه شهباز او را معرفی کرده، چندان ارزش ندارد که بتواند در روش دستگاه حاکم موثر بوده و یا چنان ارزشی داشته باشد که بتواند احساسات عمومی را بر علیه افراد تحریک نماید.

در این موقع که این دست های آلوده برای گل آرد کردن آب در کار است وظیفه افراد و مایهت خود سوزی کامل میباشد.

بگذریم از اطلاعات و آینه ازتون استادی بظلم دارد، یک بار بنده بگذریم با پولندون معنی خود از موفج استفاده کرده هر چه میخواهد بگوید.

روزه و چند مقاله بی سروته یک خبر نگار معلوم الحال، بطوریکه روزنامه شهباز او را معرفی کرده، چندان ارزش ندارد که بتواند در روش دستگاه حاکم موثر بوده و یا چنان ارزشی داشته باشد که بتواند احساسات عمومی را بر علیه افراد تحریک نماید.

روزه و چند مقاله بی سروته یک خبر نگار معلوم الحال، بطوریکه روزنامه شهباز او را معرفی کرده، چندان ارزش ندارد که بتواند در روش دستگاه حاکم موثر بوده و یا چنان ارزشی داشته باشد که بتواند احساسات عمومی را بر علیه افراد تحریک نماید.

روزه و چند مقاله بی سروته یک خبر نگار معلوم الحال، بطوریکه روزنامه شهباز او را معرفی کرده، چندان ارزش ندارد که بتواند در روش دستگاه حاکم موثر بوده و یا چنان ارزشی داشته باشد که بتواند احساسات عمومی را بر علیه افراد تحریک نماید.

روزه و چند مقاله بی سروته یک خبر نگار معلوم الحال، بطوریکه روزنامه شهباز او را معرفی کرده، چندان ارزش ندارد که بتواند در روش دستگاه حاکم موثر بوده و یا چنان ارزشی داشته باشد که بتواند احساسات عمومی را بر علیه افراد تحریک نماید.

## مقز و جانوران موذی آن

علیات گذشته خود را تثبیت میکند و بکنک رئیس دادگاه ساز در جلب مردم و تهیه پرونده های صعب و فریبناپاست جدیت را بفرج میبندد.

فرشی رئیس فرهنگ سفر که او هم از دار و دست معبط و وزیر مشاور است چنان که سر حرکت معضاری است که از آتش گذر و وراثت باقی بماند، برای جان مردم است چنانچه اینجای سبب مورد فرهنگ دیده گی کرده معذور است منتظم کنه که از جیب و میل موفونه بحث جلوگیری نماید دو دستی خدمتگذاری معضاری را چسبیده و او را در کارهای شیر (ا) یعنی اذیت و آزار مردم کمک کراهیهای می نماید.

سازینی که این دو سه روزها ساز آمده اند آن منطقه را این طور بیان میکنند.

از هنگامی که کین آقای قاضی محمد رهبر حزب، مذاکرات کردستان و تیسار سفرتر کرم آراه ملاقات شد آراشی در اطراف حکمران گردید از آن هنگام که از فشار و زحمت مأمورین بر مردم کاسته شد و در کبابی و آگرایی اجناس تصفی و محسوس وجود دارد زیرا تا قبل از این ملاقات زارین و ده نشینان بدفتری در فشار و مباحثات مأمورین پرونده که کثیر فکر آمدن بشهر و فرود داشتن آذوقه را مینمودند و آن آذوقه بود که از فشار کاسته شد مراجعه زارین پیشتر شده و غوار بار پیشتر گردید و تقریباً فرخ غوار بار به نسبت ۷۰ تا ۷۵ درصد کمتر از روزی هده ای در مردان است و نشکین شهر که مدتها در مکتب هیدالوگرافی و قلمرو به چاه و چاه و چاه سازی برای مردم اشتغال داشته اکنون کما این عصر کتیب از آن منظره رانده شده میخوانند بهر وسيله شهر که مرته بنده (ا) آن عنصر بی نظیر را بدست آوردند از جمله این احساس و یکی حاجی محمد امین دولتی است که بملت موانع سوخه و پرونده های جنایی که داد و ناپا خور را اجبر ماری کرده و به بست ترین هل تن در میباد ا کنون همان رویه خود را تثبیت می کند.

امین الاسلام اسمعیل و هده دیگر هم با تحریکات شبانه روزی خود با اهلان و معضاری ای که دارد نقشه بدستی بر مردم را طرح می نماید مرد بی بضی با پولندون هم وجود دارد و در مکتب پرستی و مردم فروشی رتبه اول را ساخته شد هر روز صبح گلی بدست گرفته خدمت حضرت سرهنگ شترناب و پس از تحظیم فرامی چنه گراش بی بضی داد و گل را غار روی مده سرهنگ نوده و با مطاری شاد مراجعت میکند معضاری است اینت مرد کتیب پیرساز میبراهد و هر چه بگویند میبوسه و هر چه بخواهند میکند خلاصه اگر روزی سفر از شراست جابووان خلاص شود و اینها هم بکنک از دیگری سر نوشت عید ندارد و قد و دود و چار و بیکر از خود بر سر نه مردان ساز می تواند دمی آتش ساز باشد.

مردم فرام فرامه کرده بپنجاه مستحکم ماندند که هر چه حاجت معضاری دردی ساختن سفر در شهر باشد مطالب دردی غایبهای مردم است و هر چه در میان برای این و باین آمدن در برجهای از بلای خانوادگی و هاله ساکنین این منازل است و هر چه ای زیاده نظامی روزی چنه بار و در اوقات مختلفه از میان زور جبرم معضاری مسلط نظامیان هم ندری می مسلط و مسلط باشند نظماً از تروسوئی خود بنه اورد در این مورد اگر دستور داده شود مورد و مرد و اینها از خارج خانه با پولندون در دین ها باشد مزاحمت مردم کشنده و سایر بیایه بلب معصوبت با دگان آجا هم مناسبت تر باشد.

## نگراف آقای آصف

خدمت آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر محترم روز نامه کوهستان از بنو ورود مغفول مقاله، انشاء الله باتوجه اولیای امور از هر حیث موفج به اصلاحات و خدمت مینماید می خواهد بود. بطور خلاصه اولین هدف بنده بابت آوردن موفج زندگی - تکمیل و توسعه فرهنگ - بهداشت عمومی و حتی لغو فقر و هرگونه اضافی که مستلزم ترقی و رفاه ملت باشد.

بیماری این شهرستان فوق العاده وقت بار تحت شماره ۱۹ توجه نوری جناب آقای وزیر بهداشتی خرواستان از حد صدمه پشیمان در این قسمت خصوصا و صوم ملافتان حاضر به هرگونه مسافت و کنگ مادی خواهیم بود.

روزنامه اطلاعات فقط دستور تهیه این فرج گراش می باید بخواهد باشد که احساسات افراد را بر علیه واز نماید.

ولی خرواسته گانی که سبک و روش روز نامه اطلاعات آسمانی دارد بدین باین نوشته ما اهمیت داده و باید بدانه که مردم خوب بود و او از هم تفصیلی

مردم فرام فرامه کرده بپنجاه مستحکم ماندند که هر چه حاجت معضاری دردی ساختن سفر در شهر باشد مطالب دردی غایبهای مردم است و هر چه در میان برای این و باین آمدن در برجهای از بلای خانوادگی و هاله ساکنین این منازل است و هر چه ای زیاده نظامی روزی چنه بار و در اوقات مختلفه از میان زور جبرم معضاری مسلط نظامیان هم ندری می مسلط و مسلط باشند نظماً از تروسوئی خود بنه اورد در این مورد اگر دستور داده شود مورد و مرد و اینها از خارج خانه با پولندون در دین ها باشد مزاحمت مردم کشنده و سایر بیایه بلب معصوبت با دگان آجا هم مناسبت تر باشد.

ز یاد برسیه داد بپنجم بنه نذ ارا نفا خود دردی در شاهراه های آبنده سنی خواهد بود اوضاع این منطقه مصلحتا شرح شود تا غایب اولیای امور روز خوردا بیشتر باین نوشته معذرت و فریاد سازد.

مردم فرام فرامه کرده بپنجاه مستحکم ماندند که هر چه حاجت معضاری دردی ساختن سفر در شهر باشد مطالب دردی غایبهای مردم است و هر چه در میان برای این و باین آمدن در برجهای از بلای خانوادگی و هاله ساکنین این منازل است و هر چه ای زیاده نظامی روزی چنه بار و در اوقات مختلفه از میان زور جبرم معضاری مسلط نظامیان هم ندری می مسلط و مسلط باشند نظماً از تروسوئی خود بنه اورد در این مورد اگر دستور داده شود مورد و مرد و اینها از خارج خانه با پولندون در دین ها باشد مزاحمت مردم کشنده و سایر بیایه بلب معصوبت با دگان آجا هم مناسبت تر باشد.

## فرج آقای آصف

خدمت آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر محترم روز نامه کوهستان از بنو ورود مغفول مقاله، انشاء الله باتوجه اولیای امور از هر حیث موفج به اصلاحات و خدمت مینماید می خواهد بود. بطور خلاصه اولین هدف بنده بابت آوردن موفج زندگی - تکمیل و توسعه فرهنگ - بهداشت عمومی و حتی لغو فقر و هرگونه اضافی که مستلزم ترقی و رفاه ملت باشد.

بیماری این شهرستان فوق العاده وقت بار تحت شماره ۱۹ توجه نوری جناب آقای وزیر بهداشتی خرواستان از حد صدمه پشیمان در این قسمت خصوصا و صوم ملافتان حاضر به هرگونه مسافت و کنگ مادی خواهیم بود.



هر هیئت

دیگر از مردان همین دوست سبیل روزد انگلیسی است این جوان انگلیسی که عمرش ۱۸۵۳ سال خوانده است و بعد از روسانی قدم هر چه «پودآباد» فغاندر سن شازده سالگی دراز تفرق یافته باستانی زنده و چنگه نهفته دکتر که برای توتوت وجودش از مرض سل همراه داشت بسیار برای جونی بنویسند کس تروت و جینوی ایلسی قدم گذاشتند پس از آنکه آنسو توت برای امرام ماش بدست آورد پول بکسر تانای همین اتاناد بوسله محبت و پول جینی از پیرمان و منتدین سالرا بدو خوشود جمع کردمو دستورال تخییر بکست بزک افریاطانای آن روز برای نگه داشتن او مستند بود قبل از اینکه سایر اولاد او برای بکسر افریاطانای (انگلسان پایشی دارای سهم بزرگ از این قاره ملا غیر گردید) سبیل روزد کست بزک از افریاطانای جونی را بخصیسه مدمن ملای ترانموال کرد و تصرف ملایسی حاورد پس از یک ساله زندگانی و از این نقاشی ها، افریاطانای تشریحه خود نوشت که پس از تصرف افریاطانای در وقت سبیل خیالات عالی در افریاطانای مستند پیشین در سر محبت ولی اجل مشتاق لاندوز در سنه ۱۹۰۲ و منت چهل و دو سالگی در وقت کشت باغیاضال یکبار افریاطانای انگلسان در افریاطانای مرهون نوشتن بریتنی این جوان بود که پس از خودش استوار ساخت یکدیگر از خادمین و سخنرانان و کورن. اسپانیالی است که در اثر شورش هیجان ایزدی که از تروت و مکتب سرزمینهای آن که بوسله گرفت کتب کشف شده بود و در آن امریکایا نوشتن بود: پس از یک ساله شجاعت و تدبیر کاردانی موفق شد بوسالت و سایر مهابرتین اروانی را شکست دهد و سرزمین مریکای را بنام موطن سابقا تصرف نماید فریاد کورنر بناداز اقتدار و حاکمیت پیدا کرد که مورد حسد فریبکش فرار گرفت و بکش و یادداشت اسبابی خوانده که سبیل خیال شلیان بنود می داد و برای تپه او دروشو تانای مسعود و امراتش از طرف یادداشت خبیر غیرمان غیرمان بدو شکست میداد و پس از امین مراجعت نماید اتنبا از طرف ملت بنام قدرداری از این غیرمان وطن پرست انتظارهایی باطل است. ولی یادداشت از این بدست سبیل و فرود اواف و فرود که کم قدرت و فرود اورا با لود: میوروست: روزی بخوردند و مسیور و هوش کرد. امیلیت را انتظار داشتند بدین سال غمت داشت جان نثار برای مرده متشی خود که و قدم و راضی نشدند با هم. آن کسی هوش متشی از آنجمله: ادرت براتی توت به باقی گذاشت من برایت آب و خنک بدست خود کورنر استانی آخر هر سر را با یکدیگر متشی و ناکامی سرور و با ۱۱ اکتوبر ۱۹۰۷ از دنیا رفت در سالی قطعا خاطر غمت بوموش خوش بود. یادداشت می بود: یادداشت خاور

زبان سکری

از آنجا که اخیرا گروسی از نوستگان مترش بنظرومهای پامی یاب مانا لطف را گویند و حقایق مربوط بزبان کردی را بر خلاف واقع جلوه گر میسازند و چه دیگر نیز از روی مستدل و مدعی مزاج از زبانی ادب کردی در پیراموت این زبان بیعت و مقاله نویسی برداشته اند لازم است برای روشن شدن ذهن فرادیده زبان کردی نظر دینت شماسی وقفه نه حتی الامکان در خلال مترش چند خطی را با پارایف فوق عرضه داشت: مقدمتا ناگفته نیبون گذشت که برخی از این بویسته گنر که است از جهت معلومات باقی ندارد و کتب و ترکی اسیکولوپدیا می شان نامید یا عبارات مستنی از قبل: این روشی از مدعیه معانف وادار و غایبان پارسی ازبکه ترند تا برای ایجاد کرد و ... می خوانند مردم و اصولا بویوده زبان کردی مردم و متفکران نماند. وحشی وجود تپه لجه فرسی را نیز دلیلی بر همه لیاقت و ارزش ادبی گروسی نه. بحث در اینکه همه که است که و پیش اینها لجهای فرسی و معانی بیاندند که حومه این مقاله خارج و هیئتدر ابطلاع این نویسنده گنر که میامی میامی که ولی لجه آذروها و پایه بیاند آنان که کتب زبانت و ادب کردی و مورخ ۱۹۰۶ ملان کتبی و نماینده کتب ایجاد است کردی (کرمانجی و فرسی و سورانی یا کرمانجی فرسی و گورانی و گورانی) که در یک جلسه تاریخی هیئت زبان کردی را از نظر فریاد تپه و وحدت دینت معین نمودن برخی با مقایسه مسعودی لندنت نشانی و فریب الهرح با مکتف کردی و فارسی سبیل تپه میگردند که این دو کلا بیا نزدیک بعضی و حتی کردی را مشتق از فارسی باستان میدانند بیون توجه باین اصل که اولاً تپه خود از لغات مشترک هیالته مختلف خامه زبانیهای شعآرانی کلاسیک و صرف شباهت چند واژه تپه و آن دو بسیار فریادشان حکم نمود که اینک چونرد زبانی کردی و روسانی لغاتی مانند (کا) (آوزیرا) مشترک است نیبون حکم کرده که روسانی با تپه فرسی از کردی است: تا نایا با توجه شکل و جود صرف و ریسه اندات اینک کلا با منطق است که کردی بسیار گنر از فارسی باستان میباشد. ناگفته نباید که پیش از متشین ویر دو حلیک و واکنش که از زبانمادی اینک جز واژه (ساکور) لغتی موجود است کردی را با نامه (مادی) من دانته و همدم معنی که کورتا زبان مادی سروده شده و بنا بر تپه سگری شجاعت نام دارد: در اینجا پنجوجه شباهت مدارک منبرویانی درال بر اینک (زادها) (پارسیها) بیون مترش زبان یکدیگر را میلهیند و اندک این تپه که آمو باهم کلا نزدیک بوده اند و

مطافعه به فارسی کهن و کردی و هیئتدر مطالعه متون آوستانی تر اول این تقریباتی بر معرز میگردند. اما حقیقت زبان کردی: به معنی است اینک: زبان کردی: زبانت مستدل از السته دیگر از السته کهن سال و شب اصلی و بسیار قدیم السته هنو اروپائی: بسیار قدیم تر از فارسی باستان و حتی سانسکریت لغات مشترک با السته انگلیسی: آلمانی: فرانسه و حتی مغربی چند خطی را لغات مشترک قی فارسی و السته پیروره میباشد. وسع و تراشه از تسوع زبانیهای مصرف که از لاله خانم لغات زبانی از لغات آریائی قبایل منظمه زاگروس و مدی میباشد. زبانت طرف که باستان و از: های فرزان خودمانی را بخوبی پروانه و ادبیاتی مجرب و کهن بویوده آوردند و بالاخره زبانی است که از اکثریت طرف و بر سر می نظیر و با لاله: کم نظیر که دارای صدا و واجان خاصی میباشد که شاهنویسه (اصد بنظری) از اشاره کرده در سایر السته وجود ندارد که حساب زبان کردی که که تضاریب زمان در موشش کردن بعشیده چنانکه چندان کرمانجی و مرفرد همزگان چنان آتران کوران ... السته تاریخ نشانی تا ملانر هجوم بر پیش برود اینک از راه که ها خامه آذروها ولایت ادرت تپه آسان بلنک تقریبا همان لجه فرسی است. اینجا است که اسان عبارت یکی از مستشرقین مشهور و زیاد میاورد که میگوید: «از راه و خالص باقی مانده است که زبانی است که در خاور میانه تا تباریان قرون الهادته عرب سالنامه است ...» روی همین طل است که حمله کرده برای پیشرفت و حوصله صریح بکسب معلومات لازم میدانند حتی زبان خود آموزش و پرورش نباید و زبانش گویای هر شاعر نامی گزینی میباشد: «پیه شو موشین و دو سین» «بو گنر زماضان بنو کوی سبیل»

ژدی تریاک

در میان اهالی کهر شام است که ۱۸ من تریاک لوزده از مدعا لطفه تریاک لکری همه کرده و آنالی یکباری بوسله قاسم مل گشتاش تپه آتای افریاطانای افریاطانای وخالصه غرب بعضی دشت من نماید. در کرده غرض بساوتین صلح صادق میکنند و در نتیجه تپه اندازی یک پای مادیان زشعی میشود زاخرن کمره موضوع را برمانداری و زاندر مری و دارالی شاه آتای گزارش و از طرف املاک و گداری آتای امین الله اکبری سرپرست حسن آکرده موشواید این سر و صدای آتای آکرده موشواید از نتیجه اقدامات ایشان اعلامی فرودست است.

یکی از خوانندگان کوهستان

برای اطلاع وزارت کشور آقای مصطفی مهر آروم ازستنج متبویه که بهمه مهر آروم منت چهل سال سابقه در فرمانداری استنج مشرف خدمت بوده است در فروردین ماه ۱۳۲۵ در کتبه و پشه حال و هفت روز خبیر از او بیامانه که در کلان وقته و مقامیه اندازده و فرمانداری کردستان چون از نزدیک شاهد امول بوده آنجا را مستحق ترشح و رفاز داشته و از وزارت کشور تقاضا کرده مقرر ارفاتی به آن ها داده شود و وزارت نامبرده جواب داد «چون شده خدمت به بیست سال بالغ نشده مشمول سابق وظیفه نیست» در نتیجه که ناگفته های مهر آروم دربار دیگران که سابقه خدمتشان گنر بود مقرر داده شده است شایسته وزارت کشور بدین تپه تقاضا کرده نموده که کمیسیون دولتمرد میات دلگرمی سایر مردم تپه دولت فراهم شود

از سقر تیسرا لشکر قدرتی ریاست هفتی کل نظام وظیفه و رونوش کوهستان لفظ نهایت و حسن رفتار نظام تپه آتای متشان استی مامور وظیفه مستدر کلانی بافت سنگین و آفرانهای امالی شده در این متفکر که در مشرفین موش بهره برداری اصول زراعتی است پیش از ۱۸۰۰ لاس سر از آن پیش از بهت اجرام دفته هرگاه دولت میل به پخش اسباب کشت و زرع این ولایات دارد محالست از دستماداری امروروی امالی صادر فرماید بقیه باقیات سر بازرگانی را بویوه قانونی مطابق ماده ۹ موشوکل و در این رشته زندگی صلاحی بکلی کسبه میشود

مفسور: جری: صاحبان کراسی - متشوری: علی آفر قزاقی - جسی متشوری: مسور: حسن لیل سلطان

اداره ذره خوانان سقر توجه نماید

آقای صالح سرور: ذره خوانان به وسن آن اداره شرح ناقصی از وضع زندگی خود نوشته و تذکر کرده که حقوق موهوبه داره که دریافت شده و تکلیف غمت او هم بدینست معلوم شده است انتظار داریم بوضع رفت باقی مامور جره توجهی شود

از شاه آباد غرب

آقای اسدالله سرور: در فروردین است آتای تپه ایداله لهر قی فریاد مغانده از شهرستان شاه آفراد بر کسین و پس از تصویر مشرف شده اند

سختی مشلتن نودون موثقت برای ایشان امالی این منطقه انتظار اصلاحات اساسی دارند.

...  
جاسقانی با جوهری که سالها در فرمانداری و مقامیه وظیفه میبودند در کتبه که زش را از دهکده کرده از راه شاه آفراد آورده در پشت کارخانه غمت او را با گنر لهنقل میرانده و خودش فرار اختیار مینمایند.

آتای مدیر محترم روزنامه وزیت کوهستان - من پیش دادم که تل نبال انتشار آن نامه گرامی اطلاعاتم را از نشانیان و مردم سایر شهرستانهای ایران که در گروستان محبوب و سایرینطاق بودند تنها از ذخایر و نفایس ادبی ایست ملت ایران الاصل و نسیب و ادب ملت پیشینه و آداب و رسوم پاک و پویا بردارنده آنجا غیر بود بلکه اصولا بنظر بربریت و توش آبانامی ایست ملت ایران الاصل و نسیب و ادب ملت پیشینه و آداب و رسوم پاک و پویا بردارنده آنجا غیر بود بلکه اصولا بنظر بربریت و توش آبانامی

**سوء سیاست حکومت های وقت**

از زمان ملویه و هوسو سماجیست (مکن) آن زمان زمامداری جناب آیت قوام السلطنه و که احنم والاخصاف و آزاده و آزادارادگی که هر مرد گوری سبت از سلف خود میبوده و درطول نسیب تاریخی روزی نشد که ایلات ایست و ولاد کرد و بدون هیچگونه کنه و تمسیریا مراتب آبا و اجدادی خود بنطاق دور دست لرانه و الاوه شد خود شورای و قراری ناشیرواصالی نفع که حکومت پس انتشار سر کزی لشکرکی سفارستانه (۱) بهاک کوهستان کتند و پدران و مردمان یکسازمهرای جوانان شتاده ، مسوومان دهرودومست ساله حکومت پهلوی و دوره دمکراسی از شهروبرجایای یکتند نظریهفرهنگ و بیادشت و انضاد سلاکت بارینتوده فرشتهند و پاک بختیوند بافته و آبان را از آن بکشند و مذلت و فقر و مادی و منبری که دارنده نجات بختند شورای و میرای و داریاران را درزندگهای تصرفناجورخوبانی مغاری محسوسمانند مردم و بیچاره را در بند هارفسنگدود از اوطان میزبوش برده و اعدام خت و خوارگی کردند و مترقنات سوده که خلیه بد ما اثرش از این ازدهریر و محبوب که یکی از مدعیین خلیه و وا می سرزهای ایران بوده همت یابی ناند . چون ملت اطروم و مستبدگر کرد بر خلاف مردم سایر نقاط ایران با حقوق دست بیطرفانگت بریز بر حقوق شکرگرایان دژسپان مرگی نهاده و همه وقت تا آنجا که مندوروش بوده در پاریزورود کوهپا و قلدر بهای کوهپا نهاده از حکمرنهای مرتجع دست باسلمه برده و تا آنکه تاکنون هیچگاه موفق بسط حقوق مغفوش نگردیده همنه با کمال جوارسردی و شهادت از خود دناغ سوده

# گنجینه گرانبهای ادبیات کرد

## مقدمه

در سده تحقین و مطالعه در آثار باستانی و مدافع علمی و ادبی برادران خود بر نی آنتینگر اکتار آثار و خواهد گرانبهای آبان را هم نشانیته و ذهن سایر برادران ایرانی را شتوب ننازاند .

بازی برخلاف تصور آستانادادیهیات که نفایس و ذخایر بیادشت و قطعهوار تصور زبان فارسی سافطیه را دیده اند خوشبختانه زبان کردی نیز دارای گنجینه گرانبهای آبان که متناسخه بطول نون تا کنون از دسترس سایر برادران علاقه مند ایرانی بسپور بوده و بندهتر اثنان اتفاده است که نتشکنان ذنوب ادب نظریه ای از آن دریای سیکران نوبیده باشته .

آثار گرانبهای ادبیات کردی را بدو قسمت بایرامنهای میوان تقسیم رد

### اول آثار نظریه و تشریحی

بزرگ اخیر گسرفه ای ادبیات جدید که مانته آثار نویسنده گان خوشبختی زبان فارسی هیوت از یک سلسله دواوین و آثار شری شمرای مرفولی مانته زالی

### شیخ رضا مصباح و مولوی

وفاتی واحمد قولی و ولانده کردی و غیره که اغلب آبا را بر بناد طبع رسیده و کلامی نیز قطعاتی از آثار شری میزورود با همراهی خود کرد و در آرزو نامه گرامی منتشر کرده و در معلات روز و نامه های مرتق بر یک گاهی دیده شده است .

گرچه آثار نظمی و غزلیات شریوی بعضی از این شمرای عالیقام باقیبندی شده و دلچسب است که لازم است کاتبها دوباره آبا نوشته خود را بی چون و چورا

نگارنده همت در این باب نیست بصمخر اشعار ذی که کردی و میگردم نظف این نکتد و متذکر میگردم که بسیاری از این استادان شعر کردی بر زبان فارسی و هوسنی سنی ترکی بی آثار از خود یادگار گذاشته اند که در وضاحت و بلاغت باهی کسی از آثار کردی ایشان مازاد و استادی و احاطه آسان دارد زبانهای دیگری نیز از زبان مسودی خودشان هیر ساند ه

### دوم - بیهای کردی

آثار کلاسیک ادبیات کردی عبارت از یک سلسله درامهای مییج باسالمه های قهرمانی و هتقی و ملی است که زبانی و ملامت و تشریحی است الهالازه و ضد خراج است .

مجموعه ایست بیهتا با حماسه های ملی تشکیل ادبیات هتم کرد و رامیعمد ووجه تنایز آبا آثار شمرای جدید گردانست که اولادو بیشتر آباها شری و نظم مسولط است

بر هبطه آبان بر می انگشته و همه را از توده دیگری روی گوگردن میباشند موعود دیلمر کسی منبری و مادی فرهنگ است که ملت الملل کلیه به پیشبهای دیگر کشور نیز بازمی باشد . ایست وظایه و وزارت فرهنگ است که اطلاعات و تحقیقات لازم در باره ادبیات معلوم و رسوم و عادات و آداب و سایر شئون اجتماعی کلیه شهرستانها و طوایف و قبایل و ایلات سلکت تهیه و در دسترس علاقه مندان قراورده و نمایانبرایان را با وضوح و احوال و مدافع و مظاهر و جنبه های دیگر آکتا سازد و چ- چون ابراهیم اصل در واقع همان ایلات و شایر و قبایل میزی مستند و معارفشان از قبیل زبان و آداب و رسوم در میان آبان پاکت نوی و خالغسرت وی هابه تراز شری نشینیان باقی ماندات از اجمع آوری و تونیت آباها بر روی تصفیه زبان آلوده ناری و اسبابی ترا میسون های ملی استفاده لایبه متناسخه و وزارت فرهنگ تا کنون کوششگرتر نفعی در دامناجم و ایلمای بخت و مذهب اساسی و مهم خود بر ابراهمت است و بیکنانگن هسواره در این امر وادج بیکندیم بوده اند .

حقیقه بابه کمال ناشف و نهایت خطبت و قهرساری است که بکنتر مستقر انگلیسی با آلمانی با روسی با فرانسوی به نظری که بافتد ملی وطن کتند و سایر دروین ایلات و هتخاسر - و قبایل ایرانی با هزاران خطر جان و مالی مواجه خود با تحمل و سرفراز رنج و مشقت به تحقین و شرح فرهنگ آداب و رسن ایشان نیز درازند و شیجه مطالبات و زمان خود را بشکل گنجینه های تاریخی و اجتماعی و ادبی میکشور خود اومغان لایبه و ایران و ایرانیان را با معاصر ه از سه ساله شان جالم نایبند ولی ایرانیان خودشان از بطل توجهات عالی اولیای فرهنگ (۱) از حال هم بی خبر باشند و آنتینگر استناد است که آیم استاد در تاریخ ادبیات که نظریش در کشور آنتینگر خسارت است چنان از اوضاع غافل و بیخبر باشد که مات کرد و تا نافه تاریخ و ادبیات مرتعی نایب و برای آبان قهر دورستری در هاله ملو بود و نشاند و هتوزو پیشبهای توش بربریت بایشان میگرد .

خوشبختانه از روز کوه روزنامه ووزین کوهستان انتشار یافته بود که بلندی مردم شری جامه کرد و تاریخ و ادبیات سایر مظاهر ملی و معاصر باستانی این ایزاد اسلوب عجیب و پربافت و با انتشار آثار ادبی گرامی کرد تا مدی برده ایهام و سه قناعم و از جلو چشم بی غیرت بکنان زده است ولی خلیه نگارنده تنها یک از اندازه کافی ایست و باید پیش از پیش در این دامناجمت کرد و موصوما تیبامت و زحمت بیکانگن تاریخ آختنایان جامل و بیخبر کنیید تا بلکه خبیات بکشته و از این که ببالا کرد خودشان

نایب استقنای منظوم آن جوان هوسنی ایست بلکه بطرز سیلابی یا جوی است و اغلب موارد سبز تمهاده سیلابهای مصرعی با مصرعی دیگر سبکی لایبانه و لفظ وحدت قافیه است که صورتی بود: آنجا را محظوظ داشته است .

ناتاز - قسنتیای باهمه نامت های بسیار هم انگیز و معسرون نویخته کردی از قبیل لهله و جهران و غیره خوانده می شود و چون در میان نایبالویلات کرد حتی شق نیز باهرسانی و ولادری و شجاعت و رشادت تمام است بیهتای میزور بهترین قزلبات عاشقانه ایست که چون کرد میخواند برای فرم کردن دل کوه مشغول خود بودی نور خوانده است مست وهیدا از خود بیخود که لعل آتکله های لهله و جهران که نابنصر بررد بیهتای کردی است خلیه مغر انگیز و مییج است که حتی جوانان نیز و حتی دلدی معسرون میخوانند کوهستان زبان بته را از چرا بیامداد .

وامدان ملست وروالی که در بیهتای کردی هویا از سینه وقل کرد های خلیه و ساکتین ساد و وی لایب کوهستانهای اطمارت و معالی کرستان رخاغت است آلوگی و استلابا زبانهای یکسان بسیار کم پیدا کرده و اگر هم نشانیانی در آن دیده میساید شاید برانز تفریق است که بدما حاصل آیدمات .

بر عکس چون شمرای جدید تحت تاثیر ادبیات بیگانه فرار کرده اند نشانیات و اسطورات و تشبیهات زبانی و کنایات و استعارات تشبیهات زبانی دیگران اقبالی کرد زبان شیرین کردی را از آن سلاست و خوشبختی آباها فدوی متصرف کرده اند بطوریکه بیهتای کردی را حتی جوانان و مدققان میخواند بی توانانته بهمنند و عورتیکه سنی بیاری اواشارانالی و شیرخوار است که امد کرد و همه می توانند درک کتند .

غلسا - برخلاف اشعار شمرای جدید گویند هوسروایه بیهتای قدیم شخص و معلوم نیست و تاریخ غالب آباها نیز معلوم میباشند این انبیا و اطفال کرد برادران باذن و خوشبویه به ایلات کرد معسرت دارنه و هوسنی بسینه باخلاف خود منتقل میباشند

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد دانشمندان ایران و بخصوص وزارت فرهنگ هرگز درصد جمع آوری و تدوین این آثار فیس برناییده اند

سوم - زمان تالیف و تصنیف بعضی از ابیات کردی معلوم نیست ولی قدیم ترین آن با لحاظ زمانی که قهرمانا بیت بد آن زنگهی میگرد اند گویا بیت ودمه ایست که مر بر زبان شلمشاهی کبیر و جنگلی گرامی اسدخان اسدزین درین سنی با ایلات لاد کرد با آن یادداشت است . و جدید ترین آنها بیت با چرا پیر حرمه آبا و دینس باصل مشکور است که از هشت سال نهار سنی نایب . (بچه وارده)

# سکرد و کردستان

## سنه اردلان

-۱۲-

پس از یکساعت زدهخود باچار  
از فرار می‌شوند. و اردوی دولت بسا  
نهایت قدرت وارد ناسودنیانست لاهون  
مگردند و فرار شیرین و خوشبختند  
بام منزل حصه بسید سلطان باغزار در  
می آید.

علی آکرخان شرف‌البلک باننگ  
بهرای جوانرد و اوجاسی خود در  
این جنگ همهجا داد مردی و مردانگی  
داده تا ورود شوریدیشتر و بیشترند و ده  
موجب شرف اردوی دولتی و ارام  
آورد است.

پس از ورود به نوسود خرف‌البلک  
به تبریزخان محمد لوله می‌نویسد. ما  
من کن گرمی کلا خوشتر از توت اردو  
ده پیشین و پشتر (مقصود از سرت  
خود طرف الملک و احضار السلطنه  
الفرانسه میباشد) بعضی رسیدن مرادله  
در (زولی) چپه سختی در موده استرک  
بهرت پیشتر در آتمه ارمیده که دو  
گرو خسه و فوج ظفر کردستان نوشتند.

چنان سار و باج و میروان یک سرتیه  
بیش باروران تحت سناورد هوند  
در آن هنگام خالد یک اوزاری بایند  
از کسان خودشان که سومه باقیه با  
طریق سلطان داشته اند رد صحه  
مطالب ظفر الملک می آید و متوجه می  
شوند که اردو را از راهیکه خودشان  
بودند آمده اند.

در (۱۸) دوج آتالی پشور  
مروار و بیاده با سران و سرداران سیه  
و رضای خان بیاید و رسن یکسرت  
کرده از راه (ویج) که راهی ازینک  
بهرای ساری مانه خلیب با دومی  
مستجاب در آن لب از سمت و  
مستجابیالارنه از قللچالمانهتضای  
آسانی با بلای ناگهانی بست ذولی  
بهرای می‌شوند. زدیست سحر اسرار  
کرده از نظام لشکر اوزاری از خواب  
خفت بیدار شده با چشم خواب آلود و  
بی طرفی بیرون می‌پند می‌بند که  
شام ستانما و سنگرها و ترمناست  
شمال دوزی و اردوی دولتی فرارگفته  
و راهی ازینک بیاید می‌شاند است.

پس از دو سه روزند یکدمت دروین  
بهرای می‌شوند می‌مانند سه خورس  
و بیاده و بهادوهرای طرف جنوبی  
از راه و بهادوهرای طرف جنوبی  
در آن زمان تحت هم که طرف لاهون  
بودند و شکست خورده بودند بسا  
شکست اوزاری اوزاری تحت میروند که  
ذولی و خوش برداری را حلقه کنند  
میکنند سرورود اردوی دولتی مغزی  
بها همه حصه سووما بطرف ذولی ناخته  
دارند منتها نهایت تحت درگیشود  
از راهی برسه با کمال زحمت میروان رزم  
مگردند و در ذولای  
فرست و شکست دهل و سرنا میوزند  
فتح کوهگرم گمونی را پوست کشیده

از طبع مفلس

## شماره انه

ده یکه شامران هه مو ، به شری آیدارموه  
ده میوه دستنی ذیلک نه بن زوللی ناپاروه  
ده یکه وه صای امان کن ، غزال به مانه طای امان  
به جاری مده صای امان کن ، کادیت برسی یازموه  
ده یکه سرنی مراد بیت له تنو آری شو شگوار  
به یازوللی به من شوس ، به سرنی جوپیاره وه  
ده یکه چولک وه به قیالیب جهانی هه می ، به  
اوبندی برمی که میمه به ، له بینی لاله زاره وه  
ده یکه فکری میله تنه وه ای واملی لایسره  
اسیری دستنی ذیلک تنه ، به ساز و چهنگوتاروه  
ده یکه سنن باضی شکاری بدت و میله تنه  
وه منن بونگی نلله تنه ، به ساری گل بهاره وه  
ده یکه شتی بی سه ری میارته له دلیه ری  
له تو که اهلیچه وه ریوه ساروه که نارموه  
براه غافلچیه ، شگانی ره سی مسوردی به  
اا مانه قایدسی نه بی ، تشر به روزی کاروه  
له غرابی غنات و نادم ، ههاسنه از خیزه گام  
از زانی گی به معترم ، وه منن به یاروه داروه  
شاه به خاک وخوله کنی ، به هتته چارویولک کنی  
علیه آره خوره کنی ، به یاروه به ردو خاره وه  
اه وه نجیب و فاکه و طاعت پرست و کامله  
نهوک غریبکی فورم به سه سرجی چناره وه  
به خالی هاشی به سه وطن غریب و سی کاسه  
ههاسنه سرری زوره کا ، به چاری استظاره وه  
ترقی خاک و بیلهات فقط به علم و هتته  
به سخته باغی بی تنه ، به بوم و کسنارموه  
فریزی « مخلصن » موه لایسی وه ای گولیمون  
لهقنی زولک و خالی بین به روی گولی وه زاره وه  
اشار اون و آتالی ب آرمون از سنته ارسا داشته

## خلع صلاح عشایر

بفرادالطاهر که رسیده است  
گلبای از طرف لشکر کردستان خلع  
صلاح شده ولی محمد علی قیسه و اتباع  
از بتوان اینکه اگر اسلحه را زمین  
بگذارند مراد حله و تهدید دشتان  
قرار خواسته گرفت از تحویل اسلحه به  
سرتنک جدید خود اردوی نومویدهاست  
سنگونی زور ساروت سوده است.  
کوهستان از هنگامی که نطقه  
مسلح بودن هشایر در شرف اجرا بود  
ما پیشتر ادویدیم بهتر این است دولتی  
این مردمان زحمت کش ابرسان آتالی  
دعوات و ادار ایدوه وسایل زلفه آنرا بر  
فرام سازد و تذکر دادیم از میجر  
نودونه هه هشایر برای حله استخالی  
به سایر هشایر کرد نتیجه ای گرفت  
نخواستند که شاید سخت پیش بینی هشایر  
گذشته باشد خوره ابرسان آتالی  
کردستان خلع سلاح آتالی و لازم سفره  
است .

شاهزاده می نسیاسه شاهزاده شافت  
شرف الملک و التیاج پیروز خان و انبزل  
لوددی زور امان را اطمینان میدهند که بیعت  
خود مراجعت نایب از چند روز خواهد  
معه سید سلطان باشد. با معطل شاهزاده  
میشود و مورد عود اشان واقع میگردد  
مصاف ورود او بهرام (پدر)  
مصدود خان ذولی و جاد از ان استدهای  
که با معضنت یک برادرش (پدر پهلای  
قلی سلطان ) در حبس نامده مود می  
میشود میرزا رضا دیوان یکی استاده  
از موقع ورود معضنی یک ابرودتوالی  
و شفاعت میکند و برهانه اهل ذوق  
او را و هم بهیمری آوردن و خود دیوان  
یکس خان او میبود . از طرف دیوان  
هم سالی هتندت زمان میدهند به استزاری  
در باره او برقرار میگردد که در شهر  
بمصرفه گای شود برساند .  
در این آتانه سرباز کیمیل گول ذکری  
گذشته بیجا له اینک مطلب مهمه است  
مست باید شصتا بر سر شاهزاده مرادم  
گذشته بود و حضور شاهزاده برساند هر  
میکنند شیدمام فرموده با هر کسی سرباز  
کیمیل را زنده ای مرده برایتی میارود  
مه تومان و جگانه با ارامن است  
خواهد فرمود شاهزاده فرمایده بود  
گفته ام . سرباز میگوید سه روز  
بگذرد تا هم فرموده بدین نادر کردستان  
هتتم یکس دروغ نبویکم شاهزاده می  
فرماید بلی گتنام سرباز میگوید - من  
سرباز کیمیل ایست خود مراد له حضور

آورد امام و التقات کتبه شاهزاده  
از این خوش مزگی او خوشحال شده  
امر میدهند یکطافه شال کریم و یکدم  
تومان باقی میدهند و او را جزو مستخدمین  
مفلس قرار میدهند





# گوهستان

## گروس از ناپنده تعمیلی یزان است

پرخلاف ادوار گروس در متعلقه کروس اصلاح شاهانه می شود که بر پایه احوال لغوهای بیجا از طرف مردم قلمروهای های ابراز میگردد با وجود تفاوت های از زهر سو ببرد مندیبه این ناحیه وارد میشود میباید اصلاح تصیم بیبازره گرفته هدمامت کاهی بیبازره بصورت تاسیس و ایجاد سازمان جوانان گروس است که بوسیله اعتراض های درست برای برپایی بیرویه اشخاص نظر بد این اقدامات اخیر مردمان گروس فرحرو تنفیر است وارد میبازریم با کمال جدیت برای بدست آوردن حقوق حقه خود پیوسته بیبازره بوده و با پشتیبان داریم اگر در این مبارزات وارد است و مستقیم از دست داده شود وادانته نامت با بارشاش هشی میگردانند ناپنده ناطق بیروزنه خواهد شد.

مامع ماضور که بارها با آژور شده بد صلوات روزانه گوهستان را برای اینکه به مبارزه های منصف آمده نوسودود اختیار از پخوانان کادرم برد و برای اطلاع خوانندگان محترم ذیلآ تلگراف وارده این هنه از آن بیبازره ذلآ بیا میزند

### تلگراف از گروس

محور صحت اشرف آقای اوم الملط لغت برود است گوته کیه جناب اصلاح انجمن صالح رئیس محترم انجمن اصلاح غنایات کیه حضرت سید الاسلام آینه. آقای حاج سیب اوالانام سخانی کیه کوهستان کیه گوهستان از آقایان کیه بحاله و کوهستان ذات اعلی عالی با ورنه گردن تیر سیمانه دسترسین ضررد این نوع ناریکی دیدیشت و تیر ویرود کیه کوبت مبین ضرر فراهم گشته و در هرگز هه از این کشور بوم ممالحت از طرف اشخاص بارافراشته بود غناوتنه مندل باید قدرت خود ذات اشرف را برای چنین دوری ذخیره نموده برانگیخته تا بنکینه بد با کفایت آن یکسان دردمر سیاست مدار کوهستان کیه کشور که صورت یک کشتی در قراب فلاکت بود بمشال لجبات کنیده باخاشش تشکر و سیاسکداری چنین ادویه خلاصه بیبرای با هفت مدار حضرت باری که ایت موعود هشی را بیسا اینان ارزانی فروده دوام آن یابندگی سالن ضنا خاطر مبارک و باین ولایت که قطعه طاز قدرت اشرف بشمار و ممالیان منادی جهش لکد کوب اغراض مترشبین کوهستان و از بنده مشروطیت این ولایت از داشتن یک مرادینه عمل محروم بمطوف و تفرقه

دست توسل بدلیل خنایت ذات اشرف است از کونیه که ازاده نموده اند. اشخاص با ایت قورده بسطور آزادی نامتتم با استیقامت و آرزومندی یابی مغرب و اجنبی که تاکنون این حق ملی را از ما ملت ستمیده بلوه سریزه در

ادوار خود سری سلب نموده وادانته بیز اشخاصی که متکی به قانون مختلفه اند و ملی را آزادی برای خیره مالی بس این اهالی مایه میگنارند و به همدستی مدفود نابلی از خناس ناصالح میخوانند در این دوره که راه تمهید بوسیله آید اشرف مدفود است ازین تطبیق برآید حیثیات از دست رفته این سامان را باین دیگر لکنه کویو اغراض شوم خود ناپنده از چله لکاسین برورور رئیس شرکت نفت همدان با پول سرشاری فهم پاین ولایت نهد و منویات شوم خود را اظهار میباید استدهای بدل عواطف و مراسم کربانه داریم که هم چنانکه اید و تطبیق و زور مدفود کشته و از تطبیق را نیز بر این خناس ناصالح بسته و اما اهالی گروس را بمال خود بگذارند تا کفار نر از بیایه خود که خدمتگذار مسی شایسته این مقام باشد انتخاب بد از ممالیان دراز بین طیب و وفاداری از دست رفته خود نابلی خوریم حاج سید اسدالله موسی یوسف جیدی - طبرشا خویاری - مسعود کویود نداری الوصت علی مهنه - حاجی محمد موسیایی - جینی قاسمی - حامی - علی حسین - محمد آقا - قاسمی - چهار صالحی - اهراماد سیوری - انانام اسمیل زاده جسی منسی - سیطی منصور تنکرت کویود منسی دیو پالی هاد - مهنوی - پرویز مسعودی - سمداله سقز - ابراهیم سلیمان امینی - غلامرضا شمشاری - عبدالله نهری - محمد جوهری - جوادی منسی الله جوان جوهری سید مسعود سیف سیدمیچیه - میرامن - سید ناصر تلای صراف الوندی - محبلی و کبلی.

ادوار گروس در متعلقه کروس اصلاح شاهانه می شود که بر پایه احوال لغوهای بیجا از طرف مردم قلمروهای های ابراز میگردد با وجود تفاوت های از زهر سو ببرد مندیبه این ناحیه وارد میشود میباید اصلاح تصیم بیبازره گرفته هدمامت کاهی بیبازره بصورت تاسیس و ایجاد سازمان جوانان گروس است که بوسیله اعتراض های درست برای برپایی بیرویه اشخاص نظر بد این اقدامات اخیر مردمان گروس فرحرو تنفیر است وارد میبازریم با کمال جدیت برای بدست آوردن حقوق حقه خود پیوسته بیبازره بوده و با پشتیبان داریم اگر در این مبارزات وارد است و مستقیم از دست داده شود وادانته نامت با بارشاش هشی میگردانند ناپنده ناطق بیروزنه خواهد شد.

فراموشی روزنامه اولوس روزنامه اولوس در شماره ۱۶۶۶۶۶ مقاله ای تحت عنوان «در میانان و آذربایجان» نگاشته و در آن موارد موافقت نامه که میان دولت آذربایجان و باضاه رسیده جای کرده ولی متأسفانه نامه ای از این موافقت نامه که مربوطه کردها برود در این مقاله از لفظ انداخته است.

آیروان پادشاه دانه - ۲۰۰ ربال  
نگرخی دانه ۴ ربال  
جای اداره خیابان فردوسی رو بروی بانک ملی تلفن ۶۶۷

بلم آقای عباس آزادبور

## رابطه مالک و رهبت در کردستان

پیش از اینکه با مل مطلب بپردازیم اجالی از وضع معرفت الارضی نگاشته میشود تا قاریین قبل از اظهار نظریا تصمیم بلی استحضار کاهی از خصوصیات زمین این ناحیه و کاهه داشته باشند. از نقطه نظر تاریک کشتیر زمین کردستان واکفه در ایران از شمال جنوب میباشند و بهمین مناسبت ناحیه جنوب گرم و هرچه بشمال برود هم هوا رو بسرفی میبرد. خود این امر سبب شده که تمام امور اجتماعی و زراعت و اجدار و تیسیر دهد. از طرف بشرق جنگلی طبعی ناحیه میروان و باه متناوب با کرمشمن ارتفاعات سرخسب تناسم میشود و بعد پاک حده تپه مامورهای که از شمال کوه تا سرحد کردستانه حد ناسل شمال کوه های مرتفع آتش فشاخی غریب رفته کوه های بریده مشرقی را باعث میشود. در دهلیز قابل عبوری ازمنرف کوههای کازران بدریاج مویجر و بند جلگه سلیبانه متصل میگردد. با لایشر لالت ( هوتو ) و بندک مسطح قابل زراعت لالت لالو و اسنه آباد در مشرق کردستان واقع شدهاند وبع جنوب غربی کردستان از کوههای صخره و صلب اولوس پوشیده نایب رود و اواخان سا و تشکیل میدهد تمام ایت کوهها آتش فشاخی میروان بصر سوم معرفت الارضی است. بین سقز و میروان دارای کوههای شاکلی و مرتفع و بهترین برآهگاه های کوههای را تشکیل داده اند نظیر این نقاط در سرحد ات سا ل کرمانشاه دیده می شود. با لایشر ناحیه کوهستانی جنگل های بد آب و هوای اجیران خوسهل مخصوص میباید. مسامه یون آبو هوا و صهای عمل کوه گردیده که نقاط او را مایات و از رود و از محل های پرجمعیت بشمار آمده دارای مردمان خوش میبار سالم باشند. اما ناسامیه زمین نواصی کشتی کار و مزارع با سایر نواصی مردمانی فقیر و باع بار آورده است. لذا در این نواصی پاکه منشی و ایجاد کار اثر منفی خواهد داد.

## برای فوج آقای دادمنان کینفر

### جناب آقای دادستان دیوان کینفر

آقای منیب با بزر سعت نظر مستوفیل همل اغتلاط چای را بسا کتیل بیست هزار تومان آزادی کرده پس از انتظار روز زدهانی هجوت و مدرک فراد استیصال ۱۶ تیرین دیال برای این جاپان اعتمادی را احمد زاده که نامت با بزره کتیل و وفیبت سامی و اجنامی ما در مازدر کوه مقصود از همروان فرار مانده در زندان است استدهای تحلیل وجه انگلکله بیزان منتهین امالی با اهرام یک ناضی بی نظر با اهرام اینجابان و ارماس برنده بی تهران داریم و دیگر برای حضور در مسخر آژور منیبی حاضر نیسیم.

اعتمادی - احمد زاده

در اثر وجود کوههای مرتفع و بارانهای شدید و زیاد ناحیه غربی که حد نسبی آن برآب است پیش از ولایات شرقی میباشند مقدار زیاد از بارانهای غربی لالت ایران بدخله نرسیده و در همین ارتفاعات بظرف نرول میکنند و عواطف متفسفانایان نواصی سرزمینهات گردیده که آبهای کردستان در جهت شمال و جنوب با تپیت از سله ها تقسیم و از شمال بدریاج و رشایه و بحر خزر و از جنوب بدخله کارون با لایشر علیج لارس برسد. از تاریکسه و رش شده پارانیا و ارتفاعات ته و مخروطی کوهها ایجاد کرده عبارت از رودهای است که در بستر تنگ و مستلاخی خود کشته نشافه باید که که جزینچه ها. رودخان در کردستان بدریاج قابل استفاده و برای کبان وارد دیال شود. این نکته نیز یکی از علل اراضی اواسی مجاور رودخانه خواهد بود تا کنون برای بهره برداری از آن با جزه کوچک رواسی انداخته اند. نشده است لکن در نواصی جنوبی میباید آب رودخانه ها مانده از توتوکناری غلات و چغندر برسد می آید بیت سقز و میروان (اجامیان) کوههای دارای برآهگاههای شاکلی است که شاید از نقاط مشفقانه کوهها بوده مورد استفاده کوه داری میباید مورد علامه اصولا تمام سطح خاک کردستان را در نوع زمین تشکیل میدهد. ۱ - زمینهای شکرکشی و صخره کوههای جدید که لظ در ارتفاعات آن کم و بیش اشجار جنگلی طلیس و دستنی پمل می آید. ۲ - زمینهای لرز قابل زراعت که بطور ازم از زمینهای سیه یا خاک رس و توند فراز کبیر و در کلات خاک کردستان استمداد رسد و سو ماز کایها را دارد و برای نرزان در ارتفاع نر نوع زراعتی را که معیض مسامهت و باضاه بسمل از رود و آب چشمه های آب و کرمشمن سر آتش گردانیده دارد.

### برای اطلاع فرامنده لشکر کردستان

بقراری که اطلاع بدیده سرکرد کلاهی در جاده هراسن مرامح طاریین واسطاطه قلیه شده و از اشخاص ویرادی فرود گذار بنیابنده بلالوه قفور و جسی نامت با رش راه را پشت ایکنه توجیه است ستمزین اشالی توبه کرده است. ناابالی تنهیم بیله از لاکر برکانرود دورووری که قنور و جسی کربا میوه سادینه باشد که چنین حالت است در خدمت اداره و راه میباید. این بود اطلاع که بیا رسیده بود حال آکر تیسار سر تیب مایلین قوری بیشتر تقوی نماینده خایه چیره ای دیگر هم باطلامان برسد.